مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهاردهم، شماره ٥٤، تابستان ١٣٩٩؛ صص **٩- ٣٠**

بررسی و تحلیل روابط ترامتنیت ژراژ ژنت در رمان «استانبول، خاطرات و شهر» اثر اورحان پاموک

آمنه هاشمی *
سیامک پناهی **

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۳
تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۵

چکیده

بینامتنیت رویکردی ادبی است که به منتقدان این امکان را می‌دهد تا به شیوه‌ای علمی و نظام‌مند پیوندهای موجود در میان آثار ادبی را بررسی کنند. *ژرار ژنت* یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این رویکرد است که در کاربردی‌کردن آن نقش اساسی دارد. این مقاله با هدف برقراری ارتباط میان نظریه ترامتنیت *ژنت* و رمان «استانبول، خاطرات و شهر» اثر *اورحان پاموک* شکل گرفته است و تلاش گردیده بر اساس تقسیم‌بندی‌های ترامتنیت ژنت فضای شهری و معماری استانبول در رمان مورد نظر تجزیه و تحلیل گردد. پژوهش انجام‌گرفته بر مبنای روش پژوهش قیاسی، به استناد داده‌های گردآوری شده توسط بررسی‌های اسنادی و تحلیل داده‌ها بر اساس تطبیق و مقایسه صورت گرفته است. در رمان مذکور *اورحان پاموک* توانسته است ریشه‌هایی از آثار هنری و متون ما قبل خود از قبیل متون ادبی و نثر و شعر و نقاشی را به طرق مختلف در متن خود جای داده و ارتباط و مناسبات تنگاتنگی را با نظریه ترامتنیت *ژنت*، علی الخصوص در حوزه بینامتنیت و بیش متنیت برقرار سازد.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، استعاره، بیش متنیت، بینامتنیت، تراگونگی.

* دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج. arc.hashemi@yahoo.com
** استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر. siamak_architecture@yahoo.com
نویسنده مسئول: آمنه هاشمی

مقدمه

رویکرد بینامتنی بر این اصل اساسی استوار شده است که "هیچ متنی بدون پیش متن نیست" و به عبارت دیگر هیچ متنی بدون ارتباط با متن‌های دیگر شکل نمی‌گیرد بلکه همواره با بهره گیری- خودآگاه یا ناخودآگاه- از متن‌های پیشین خلق می‌شود. دنیای متن‌ها دنیایی پیچیده از روابط گوناگون درون متنی و بینامتنی است که بدون توجه به این روابط، شناخت کامل و واقعی آن‌ها امکانپذیر نیست. بر همین اساس، برخی از محققان بزرگ به ویژه در حوزه بینامتنیت همت خود را صرف شناخت و شناساندن روابط میان یک متن و متن‌های دیگر کرده‌اند که مجموعه مطالعاتشان بینامتنیت را شکل داده است.

ژرار ژنت در پی مطالعات *کریستوا* درباره بینامتنیت، اصطلاح ترامتنیت را برای مطالعه انواع روابط ممکن یک متن با سایر متن‌ها وضع نمود. ترامتنیت به هر نوع رابطه‌ای که یک متن با غیر خود دارد اطلاق می‌شود و شامل پنج بخش است که عبارت‌اند از بیش متنیت، بینامتنیت، سرمتنیت، فرامتنیت و پیرامتنیت(کنگرانی، ۱۳۸۶ش: ۱). مبانی نظری این تحقیق نیز بر اساس مفهوم ترامتنیت از دیدگاه *ژراژ ژنت* است. این پژوهش به یافتن خوانش بینامتنی در رمان «استانبول، خاطرات و شهر» توسط *اورحان پاموک* می‌پردازد و در این خلال از طریق رویکرد *ژنت* در باب مناسبات متن(رمان) با دیگر متون(متون ادبی، سایر آثار هنری، گفتمان‌ها و مفاهیم فلسفی، فرهنگی، اجتماعی و عناصر ساختاری و تکنیکی) پرداخته و به بررسی آن‌ها از طریق نمونه‌های معرفی‌شده می‌پردازد.

مهم‌ترین سؤالی که در این پژوهش در پی یافتن پاسخ آن‌ها می‌باشیم عبارت است از اینکه چه مناسبات و روابطی از طریق ترامتنیت مورد نظر *ژنت* با رمان «استانبول، خاطرات و شهر» برقرار گردیده است؟

پیشینه پژوهش

بینامتنیت از نظریه‌های پرکاربرد در حوزه نقد آثار هنری است. درباره بینامتنیت کتابی با عنوان «بینامتنیت» از *گراهام آلن* که توسط *پیام یزدانجو* ترجمه شده به عنوان

یکی از کامل‌ترین مراجع این عرصه به شمار می‌آید. کتاب حاضر مفهوم بینامتنیت را در چارچوب نظریه ادبی و البته با تأمل بر تأثیرات آن بر دیگر عرصه‌های اندیشه به بحث گذاشته، نگرش‌های دوران‌ساز *فردینان دو سوسور*، *میخاییل باختین*، *رولان بارت*، و *ژولیا کریستوا* را در قالب نگره‌های ساختارگرایی، پساساختارگرایی و پسامدرنیسم و نیز هرمونتیک، فمینیسم و پسا استعمارنگری مورد خوانش دقیق انتقادی قرار می‌دهد. کتب و مقالات *بهمن نامور مطلق* من‌جمله مقاله «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها» که در سال ۱۳۸۶ در پژوهشگاه علوم انسانی به چاپ رسید به پرسش در خصوص چگونگی رابطه یک متن با متن‌های دیگر و به طور کلی با غیر خودش اشاره می‌نماید و برای این منظور آن‌ها را دسته بندی و طبقه بندی کرده و سپس به تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌پردازد.

مقاله «پیش متنیت روشی برای مطالعات تطبیقی هنر» نوشته *منیژه کنگرانی* در مجموعه مقالات هم اندیشی هنر تطبیقی، فرهنگستان هنر، سال ۱۳۸۸ فقط پیرامون ترامتنیت *ژنت* و به موضوع پیش متن پرداخته است که از دیگر منابع سودمند در این زمینه است.

محمود رضایی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد و تحلیل قصه‌ای از مرزبان نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت»، قصه‌ای از «مرزبان نامه» نقد و بررسی کرده است و روشن شده که این متن نیز چون دیگر متون مستقل و اصیل نیست، بلکه واگویه‌ای از هزاران متن فرهنگی پیش از خود از جمله «کلیله و دمنه»، «شاهنامه»، «گرشاسب نامه» و «کارنامه اردشیر بابکان» است. *فاطمه کاتب* در مقاله دیگری تحت عنوان «ایده‌های مشترک در طراحی مُد و معماری با رویکرد بینامتنی ژنت به یافتن ایده‌های همسو در معماری و مُد با خوانش بینامتنی و اشاره به برخی از نمونه‌ها در هر دو هنر پرداخته و در این خلال، به کمک رویکرد *ژرار ژنت* در باب مناسبات یک متن(اثر هنری) با دیگر متون و با در نظر گرفتن دو مقوله بینامتنیت و بیش متنیت، چگونگی شکل گیری این ایده‌ها در هر دو رشته، از طریق نمونه‌های معرفی‌شده بررسی نموده است.

ایمان رییسی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی روابط ترامتنیت ژنت و گذر زمان در تابلو شکارگاه بهرام گور اثر استاد حسن اسماعیل زاده» به این نتیجه دست یافته است

که تابلوی مذکور در لایه‌های پنهانی و متنی خویش ارتباط و مناسبات تنگاتنگی را با نظریه ترامتنیت *ژنت* برقرار ساخته و از سوی دیگر نقاش با شناخت از متون ادبی و برداشت مستقل خود از «شاهنامه» *فردوسی*، «هفت پیکر» *نظامی* و «رباعی» *خیام* تلاش نموده است تا اثربخش‌ترین تابلوی ممکن را برای رسانیدن پیام نهفته در آن برای مخاطب حاضر در قهوه خانه خلق نماید.

با استناد به پیشینه ذکرشده می‌توان دریافت که آثار ادبی و هنری از قبیل شعر و رمان و داستان و نقاشی و معماری و... مهم‌ترین پیکره مطالعاتی در حوزه بینامتنیت محسوب می‌گردند و از آنجایی که فضای شهری و ارتباط بینامتنی متون در این حوزه چندان مورد پژوهش واقع نگردیده و از دید نظریه پردازان و منتقدان بینامنتی مورد غفلت واقع شده است لذا پرداختن به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بینامتنیت

معنای اصلی بینامتنیت، درهم آمیختن یا درهم بافتن است؛ و در این حوزه و به طور ساده ناظر به شکل یافتن هر مفهوم از مؤلفه‌های متنی متعدد است(غیاثوند، ۱۳۹۲ش: ۸۹). یکی از رویکردهای مورد توجه در مطالعات مربوط به هنر و ادبیات در دهه‌های اخیر، رویکرد بینامتنی است. رویکرد بینامتنی بر این اصل اساسی استوار شده است که "هیچ متنی بدون پیش متن نیست" و به عبارت دیگر هیچ متنی بدون ارتباط با متن‌های دیگر شکل نمی‌گیرد بلکه همواره با بهره گیری- خودآگاه یا ناخودآگاه- از متن‌های پیشین خلق می‌شود(کنگرانی، ۱۳۸۶ش: ۱).

ژولیا کریستوا در دهه شصت قرن بیستم در مقاله «کلمه، گفت‌وگو، رمان» برای اولین بار اصطلاح بینامتنیت را به کار برد. پس از *کریستوا*، *ژنت* با بحث و توسعه دامنه مطالعاتی خویش و با نظام مندی بیش‌تری به مطالعه روابط میان یک متن با دیگر متن‌ها توجه نمود که روابط ترامتنی نام نهاد که در نهایت آن‌ها را به پنج دسته بزرگ تقسیم نمود.

پنج رابطه ترامتنی *ژنت* عبارت‌اند از بینامتنیت، پیرا متنیت، سرمتنیت، فرامتنیت، بیش متنیت(رئیسی، ۱۳۹۲ش: ۲۵).

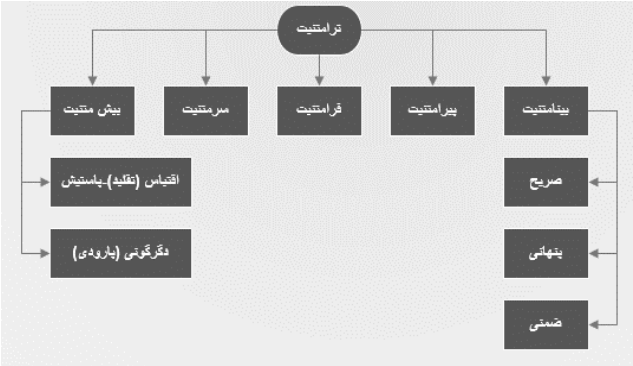

دیاگرام روابط ترامتنیت بر اساس تقسیم بندی ژنت(مأخذ: نگارنده)

استانبول، خاطرات و شهر

«استانبول، شهر و خاطره‌ها» تصویری جادویی و در عین حال سوداگرایانه از شهر ارائه می‌دهد، شهری در وضعیت وخیم از دست دادن یک فرمانروایی، سرگردان میان نزاع سکولاریسم و اسلام سیاسی، و اغوا شده توسط غرب. در این کتاب اهمیت تاریخی و اجتماعی استانبول یاد می‌شود. این کتاب آمیزه‌ای از متن و عکس و نقاشی است که طبقه بندی آن در قالب یک گونه نوشتاری نمی‌گنجد. در واقع به قول خود *پاموک* کتابی است هم‌زیسته با خود اسطوره و تاریخ و واقعیت. *پاموک* معماری کلمه را جایگزین معماری با خشت و گل می‌کند. ادبیات از همان ابتدای ظهور و تسلطش بر مضمون شهر بیانگر و نمایش دهنده زاویه دید و پرسپکتیو شهری بود. در این اثر *پاموک*، شهر استانبول در مرکز قرار دارد، همچون لندن در کارهای دیکنز و پاریس اثر *دیوید هاروی*، این رمان‌نویس در این باره گفته است: «من در شهری که طی سال‌های متمادی عمیقاً گسترش پیدا کرده به دنیا آمدم، رشد و زندگی کردم و همیشه سعی می‌کنم دنیا را از زاویه دید آن ببینم. ریشه‌ها، خانواده و جسم من در این شهر شکل گرفته اما من هرگز این‌ها را به شکل رمانتیک، احساسی و پر زرق و برق تصور و توصیف نکرده‌ام. من تمام تضادهای استانبول را در لایه‌های مختلف تاریخ دیده‌ام».

روابط ترامتنی در رمان استانبول، خاطرات و شهر

بینامتنیت

این بخش در تقسیم بندی *ژنت* از رابطه ترامتنیت، به بینامتنیت پرداخته به گونه‌ای که تلاش می‌شود تا بینامتنیت صریح و غیر صریح و ضمنی در رمان «استانبول، خاطرات و شهر» مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی به ما خواهد آموخت تا دریابیم *پاموک* به عنوان مؤلف اثر چه مایه از منابع پیش از تولید اثر خود بهره برده است و در این بهره‌برداری از منابع چه اندازه به بن‌مایه روایت‌ها وفادار بوده و چه مقدار توانسته در آن‌ها دگرگونی و تغییر ایجاد نماید و یا روایت‌ها را در تعامل با یکدیگر و یا به عنوان عنصر مکمل در کنار هم به کار برد.

بینامتنیت صریح

اورحان پاموک با ترکیب انواع رخدادهای سیاسی و اجتماعی، وقایع تاریخی یک بینامتن هجوآمیز خلق نموده است. شبکه بینامتنی در رمان به صورت فضایی شلوغ و پر همهمه از کلماتی با نشانه‌ها و ارجاعات مختلف در آمده است. بینامتن‌های صریح در رمان بیش‌تر در نقطه نظرات و نقل قول‌هایی مستقیم یا غیر مستقیم از *گوستاو فلوبر*، *احمد حمدی تانپینار*، *ملینگ*، *داستایفسکی*، *نروال*، *عبدالحق شناسی*، *احمد راسم*، *رشاد اکرم کوچو*، *جان راسکین*، *ادگار آلن پو* و... است. این خود اشاره‌ای به سخن *لیوتار* است که هیچ کس هرگز نمی‌تواند نخستین روایت‌کننده هر چیزی باشد و حتی نمی‌تواند روایت خاص خود را بیافریند. صحنه‌هایی که ما در عکس های *آرا گولر* می‌بینیم و *اورحان پاموک* در کتابش گنجانده، بیانگر بینامتنیت صریح می‌باشد.

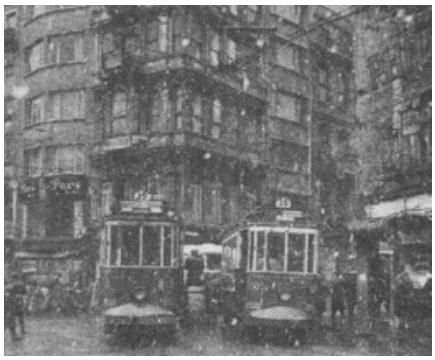

این تصویر آخرین ته‌مانده‌های تابناک شهر سلطنتی است که توسط *آرا گولر* در کتاب گنجانده شد(مأخذ: کتاب استانبول، خاطرات و شهر).

بینامتنیت ضمنی

پاموک در ادبیات خود واژه و یا عباراتی را بر استانبول به کار برده و همانندی میان آن‌ها را ایجاد نموده است که به واسطه بیان استعاری به صورت نامحسوس اثر گستره معنایی پیدا کرده و حالت و مفهوم و کیفیتی خاص به اثر می‌دهد.

دهکده ایوب لو در استانبول به دلیل آنکه از عظمت استانبول فاصله گرفته بود و از آشفتگی‌ها و در هم ریختگی‌های دوره بیزانس و گرد و غبار و دود و زنگار و ویرانگی و آلودگی استانبول دوری جسته بود و نیز به دلیل ابعاد کوچک معماری در فضای آن، آن را به یک دیسنی لندی شبیه کرده بود که حزن لذت بخشی که از ویرانه‌های استانبول در *پاموک* ایجاد می‌شد در دهکده ایوب فروکش می‌کرد.

گوتیه مناظر استانبول را به صحنه تئاتر تشبیه می‌کند که دیدن آن به نور و نقطه دید مشخص نیاز دارد. فاصله به صحنه جلال و شکوه می‌بخشد، و اجازه می‌دهد که کوچه و خیابان‌های دلگیر و باریک و کثیف و بدمنظره با طیف‌های نور خورشید رنگ‌آمیزی شوند به گونه‌ای که از فاصله خیلی نزدیک جذابیت خود را از دست می‌دهد.

به نظر *جان راسکین* نویسنده انگلیسی منظره بنایی که با گذشت زمان جلوه‌ای پیدا می‌کند که پدید آورندگانش هرگز پیش بینی نمی‌کردند بدیع میباشد. مناظر بدیع از جزئیاتی ناشی می‌شوند که فقط در بنایی که صدها سال دوام آورده شکل می‌گیرد. پس فقط تاریخ، زیبایی بدیع و غیر مترقبه ایجاد می‌کند.

اگر استانبول گویای شکست و نابودی و افسردگی و مالیخولیا و فقر بود بوسفور نمایشگر زندگی و لذت و خوشبختی و امید بود. قدرت استانبول از بوسفور نشأت می‌گیرد. تنگه بوسفور به عنوان یکی از فوکال پوینت‌های مهم و برجسته استانبول می‌باشد که دارای قدرت هژمونتیک است. جهت تشریح اهمیت موضوع باید به یالی‌های اطراف بوسفور که الگوهای هویتی معماری ترک بودند اشاره کرد. ضمناً نیرویی از سوی بوسفور که کششی به سویش ایجاد می‌شود تا عمده جهت گیری‌ها به سمت آن باشند.

علیرغم بازشوها و پنجره‌های ساختمان‌های رو به بوسفور این کشش در فضاهای داخلی نیز نمود یافته و چیدمان مبلمان‌های نشیمن و میزهای غذاخوری را نیز در بر داشت.

عمارت‌های اعیانی عثمانی‌ها(یالی)(مأخذ: کتاب استانبول، خاطرات و شهر)

پاموک به بوسفور نگاهی ویژه دارد. البته از منظر بیرونی نیز جدا ساختن بوسفور و استانبول امکانپذیر نیست، ولی *پاموک* تا حدودی به این دو هویتی جداگانه می‌بخشد. در توصیف شهر استانبول به "حزن" و سیاه و سفید بودن شهر تأکید می‌کند، ولی در بوسفور به عنصر "زندگی" توجه دارد و آن را مالامال از این عنصر می‌بیند. چیزی که برای امروز استانبول از نظر من مفهوم ندارد و در هر دوی آن‌ها زندگی را می‌بینم، گرچه حزن هم نوعی زندگی است ولی به نظر می‌رسد *پاموک* بوسفور را رنگی می‌بیند(Alves,2010p:7).

پالیپسست

استعاره پالیمپسست برای شهر، از قدمتی طولانی در منابع مرتبط با شهر و خاطره برخوردار است. این واژه مطابق ریشه‌شناسی یونانی آن، به پاپیروس‌ها یا کاغذهای پوستی ارجاع می‌دهند که جوهر نقش‌بسته بر آن‌ها به مرور پاک می‌شود و می‌توان دوباره رویشان نوشت، البته نوشته‌های قدیمی کاملاً محو نمی‌شوند و زیر سطح کاغذ پیدا هستند.

پاموک فضاهای شهری استانبول را به خاطراتی تبدیل می‌کند و از طریق استعاره «پالیمپسست»، شهر را به لوحی تشبیه می‌کند که رد پای تاریخ، قصه اعصار و آدمیان بر آن نقش بسته است. او از «شهر خاطره‌ها» می‌گوید؛ از خاطره‌های گاه شیرین و گاه جراحت‌بار شهر و آدم‌هایش؛ از خصلت چندلایه شهر خاطره‌ها می‌گوید که حاصل قرن‌ها

حذف و الحاق است و از تعریف پالیمپسست برگرفته از کتاب خاطرات Gore vidal اذعان می‌دارد که رفرنس من به ویدال عمدی بود چون خاطرات *پاموک* در رابطه با استانبول خاطراتی بود بین کودکی و نوجوانی و در مرز بین کودکی و بلوغ.

پالیمپسست در آثار *پاموک* به جای نقاشی در قالب رمان هست و در حقیقت پالیمپسست وی از بعد ادبیات می‌باشد. بنابراین کتاب می‌تواند به عنوان پالیمسست شخصی خوانده شود و نویسنده خود را در دو بعد آشکار می‌کند طوری که در آخر فصل اول بیان شده است(Alves,2010p:9).

وقتی داستان‌هایی را که درباره شهرم و خودم شنیده‌ام به عنوان داستان خودم می‌پذیرم و وسوسه می‌شوم که بگویم: «زمانی من نقاشی می‌کرده ام، شنیده‌ام که در استانبول به دنیا آمده‌ام و اینطور که فهمیده‌ام بچه کنجکاوی بوده‌ام. بعد، ظاهراً در بیست و دو سالگی شروع به نوشتن رمان کرده‌ام، بی آنکه دلیلش را بدانم. بدم نمی‌آمد همه داستانم را به این شکل می‌نوشتم- طوری که انگار زندگی‌ام اتفاقی بوده که برای کس دیگری رخ داده بوده است، طوری که انگار خوابی بوده که در آن احساس می‌کردم صدایم تحلیل می‌رود و جادویی اراده‌ام را زایل می‌کند. زبان این گونه قصه پردازی زبانی زیباست، اما به نظر من پذیرفتنی نیست، چون نمی‌توانم بپذیرم افسانه‌هایی که درباره دوران‌های اولیه زندگی خودمان ساز می‌کنیم، ما را برای زندگی‌های دوم درخشان‌تر و صحیح‌تری که مقرر شده پس از بیداری از خواب آماده کنیم، آماده سازند. چون، دست کم برای آدم‌هایی مثل من، زندگی دوم کتابی است که شما در دست دارید(Vidal, 1995p:6). در جایی که نویسنده به خواننده هشدار می‌دهد برای افرادی مثل من برای اینکه زندگی دوم چیزی بیش‌تر از کتابی که در دست ماست نیست. شهرها و رابطه‌شان با خاطره، همواره موضوع بحث و تحلیل نویسندگان و متفکرانی از حوزه‌های روان‌شناسی، تاریخ، نظریه انتقادی، فلسفه و نظریه معماری بوده است. بدنه اصلی این پژوهش‌ها عموماً حول موضوعات زیر بسط و گسترش یافته است: تداوم گذشته در شهر امروز، تشبیه شهر به پالیمپسست که بارها و بارها نقوشی بر آن ثبت و پاک شده‌اند و دیالکتیک شهرها و خاطره‌ها یا همان رابطه‌ای که شهرها با خاطره‌ها برقرار می‌کنند به این ترتیب که: شهرها گاه به خاطره‌ها وابسته‌اند، گاه انکارشان می‌کنند، گاه از میان

آن‌ها دست به انتخاب می‌زنند و گاه تحریف‌شان می‌کنند. از این رو، یک شهر کتابی حماسی است و تجربه چرخیدن در آن با فرآیند به خاطر آوردن همراه است.

سرمتنیت

رمان استانبول داستانی به سبک پست مدرن است و بسیاری از ویژگی‌های ادبیات پست مدرن از جمله رجوع به آثار ادبی گذشته، بینامتنیت، هجو و... را داراست. ما در عصر جهانی شدن زندگی می‌کنیم. در این زمینه فراروایت‌های مدرنیته آمده‌اند تا توسط روایت‌های کوچک محلی به چالش کشیده شوند. بازنویسی تاریخ یکی از روش‌هایی است که در زمره روایت‌های محلی قرار می‌گیرد. رمان «استانبول، خاطرات و شهر» *اورحان پاموک* جنبش نوسازی تا پست مدرنیسم را پوشش می‌دهد.

از *اورحان پاموک* به عنوان یک نویسنده پست مدرن نام برده می‌شود. او از خود فاصله می‌گیرد و داستان را با دیگری آغاز می‌کند. او در این کتاب از نگاه بیگانه و از دید غیر و با فاصله به استانبول می‌نگرد تا مثل یک بیگانه قادر باشد تمام زوایای شهر را به مخاطب نشان دهد و در کنار نقاط باشکوه و مرفه شهر نیمه پنهان و کم‌تر دیده شده شهر را معرفی می‌کند. وی شهر و مردمانش را چنان دقیق و موشکافانه پردازش می‌کند و از فرهنگ بومی و جاری در سرزمینش روایتی جزئی نگرانه ارائه می‌دهد.

در کتاب استانبول، و تصویری که نویسندگان و شاعران ترک و غیر ترک از زادگاهش ارائه می‌دهند، او پا به پای قلم آن‌ها شهر را تماشا می‌کند و خود را در حضور روایت دیگری محک می‌زند، در رمان‌هایش نیز حضور دیگری‌ها باز به چشم می‌خورد، همچنین در این رمان تقابل نقاشان غرب‌گرا و شرق‌گرا را هم می‌توان دید یا کسانی که به سبک‌های قدیم و سنتی نقاشی می‌کنند و با ورود سبک دیگر یعنی سبک غربی، نویسنده نمایشی از جدال سنت و مدرنیسم را نشان می‌دهد.

بیش متنیت

در فرایند بیش متنیت تأثیر یک متن بر متن دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما با این خصوصیت بارز که، بیش متنیت بر خلاف بینامتنیت نه بر اساس هم حضوری که بر

اساس برگرفتگی بنا شده است و همچنین، از آنجا که در بیش متنیت همواره متن دوم از متن نخست یا متن‌های نخستین برگرفته می‌شود؛ هدفمند بودن و نیت مندانه بودن برگرفتگی یا اشتقاق بسیار مهم جلوه می‌کند. در ادامه فرایند برگرفتگی از متون به فضای آکنده از حزن استانبول و پیش متنیت این حس پرداخته می‌شود. وی واژه حزن را بهترین واژه برای توصیف حال و روز پایتخت قدیمی امپراطوری عثمانی پس از انحطاط امپراطوری و انعکاس آن در شهر و زندگی انسان می‌داند. سرچشمه حزن ناشی از زوال و گم‌گشتگی یادبودهای باشکوه دوران امپراطوری است. یادبودهای باشکوهی که از دوران امپراطوری به جا مانده‌اند سهم خود را از تنگدستی می‌گیرند. در میان آن‌ها فقط می‌توان زندگی کرد. آن‌ها حمایت نمی‌شوند و در معرض نمایش گذاشته نمی‌شوند. این‌ها بیانگر غیر قابل مقایسه بودن حال و گذشته استانبول است. حالتی که استانبول را به شهری بدل کرده که غربی‌های تازه وارد را سرگشته کرده و به اندوه *کلود لوی اشتراوس* تشبیه و نزدیک می کند.

پاموک زندگی‌اش را صرف مبارزه با این حزن و در عین حال مال خود ساختن این حزن کرده است. او همواره برای فرار از افکار مادرش و این کلیشه او که «در چنین جایی چیزی عمل نمی‌آید»، که به واقع کلیشه طبقه متوسط بوده است؛ به خیابان‌های محزون شهر پناه می‌برده است؛ کلیشه‌ای که یادآور بخشی از «جامعه نمایش» *گی دوبور* است: «شهرهای جدید با جمعیت شبه دهقانی تکنولوژیکی، که آشکارا گسست خود را از زمان تاریخی زیربنای خود، در این زمینه حک می‌کنند، شعارشان می‌تواند چنین باشد: اینجا، هرگز چیزی رخ نخواهد داد و هرگز چیزی رخ نداده است».

گی دوبور تئوریسن مارکسیست فرانسوی، نویسنده، فیلمساز و از اعضای بنیانگذار بین‌الملل موقعیت گرایانه در مفهوم نمایش، جامعه‌ای رسانه‌ای و مصرفی را توصیف می‌کند که پیرامون تولید و مصرف تصاویر، کالاها و رخدادهای نمایشی سازمان یافته است. به زعم او، نیت نخست سلطه‌گری نمایشی، امحای شناخت تاریخی در کل، و در وهله اول، امحای تقریباً همه اطلاعات و تفاسیر معقول راجع به گذشته بسیار نزدیک است. او نمایش را «تأییدِ ظاهر و تأیید کل زندگی انسان به مثابه ظاهرِ صرف» تعریف می‌کند و معتقد است، مردم دیگر نمی‌توانند بر شادی‌ها، تجربیات، آرزوها و علایق خود

تسلط داشته باشند، یا فعالانه در خلقِ آن‌ها شرکت کنند. مردم مانند تماشاگرانی هستند که به زندگی خود می‌نگرند(مهدی زاده، ۱۳۸۹).

حزنی که *پاموک* در خود حس می‌کند حسی است که توسط شهر پذیرفته شده است. تقریباً نویسنده ترک دیگری که این حس ویژه را با استانبول به اشتراک بگذارد وجود ندارد. حصار هنگام تماشای بوسفور غمگین است. *احمد راسم* ادعا دارد که "زیبایی یک منظره در حزن آن است" اما "استانبول به خاطر حزن گریه نمی‌کند" و حزنش را با اختیار تحمل می‌کند. این حس با "چهار نویسنده تنهای مالیخولیا زده" به ترتیب *حصار*، *اکرم کوچا*، *یحیی کمال بیاتلی* و *احمد حمدی تانپینار* به اشتراک گذاشته می‌شود. آن‌ها با عبارات *پاموک* جریحه دار شده و از ماهیت بی بازگشت تمدن عثمانی‌ها آگاه بودند و در عوض با بی اعتنایی به گذشته چشمانشان را به سوی بقایا، زیبایی و هارمونی بناهایش، مالیخولیای مناظر استانبول و خرابه‌هایش گشوده بودند. آن‌ها در جست‌وجوی مأمنی برای ابتذال و بیچارگی بودند. حزن خرابه‌ها برای آن‌ها شاعرانه بود و *پاموک* آن را با سبکی خاص پیاده کرده بود. بنابراین متون *پاموک* بیش متنی از نوع تراگونگی نسبت به پیش متن‌های چهار نویسنده دیگر می‌باشد(Mrinkovic,2014p:6).

طرح سیاه و سفید هنرمند بومی، خواجه علی رضا از خیابان‌های حاشیه‌ای(مأخذ: کتاب استانبول، خاطرات و شهر)

برگرفتگی و الهام از متون و اشعار *یحیی کمال* و *تانپینار* با متون پاموک نیز شایان توجه است. به نظر می‌رسد آن‌ها بیش‌ترین نفوذ را بر روی *پاموک* اعمال نموده‌اند. با یک تحلیل بینامتنی استانبول *پاموک*، میزان تأثیر گفتار و دیدگاه این نویسندگان را درمی‌یابیم. استانبول *پاموک* توسط اشعار و متون این نویسنده‌ها نشان داده شده است. *یحیی کمال بیاتلی* شاعر عشق به استانبول بود. کتاب نوشته‌ها و مقالات وی عنوان

سمبولیک داشت: «استانبول عزیز». *یحیی کمال* در اولین سال از جمهوری ترکیه، شاعر نوستالژیک، شیفته مبحث بحر و وزن شعر پیشین و ستاینده ماهر تمدن گذشته عثمانی بود و از سوی دیگر او یک میهن پرست واقعی بود که ویژگی ترک تمدن را می‌ستود. او مابین اولین نویسندگان ترکی بود که مایل به ترکیب دنیای دو تمدن پیشین و جمهوری جدید ترکیه بود که این کار بعد از دو دهه توسط *اورحان پاموک* به انجام رسید(Mrinkovic,2014p:4).

برای تحلیل بینامتنی کتاب «استانبول» *پاموک* و اشعار *یحیی کمال* می‌توان به شعر *کوجا مصطفی* توجه نمود. در حقیقت چیزی که *یحیی کمال* در اشعارش بیان نموده *پاموک* با عکس و نثر آورده است.

کوجا مصطفی پاشا:
استانبول دورافتاده و فقیر
از استیلای مؤمن، مطیع و فقیر
در اینجا کسانی زندگی می‌کنند که حزن را به لذت تبدیل می‌کنند.
با آن‌ها در طول روز در این رؤیای زیبا ماندم
در حالی که شب کوجا مصطفی را در آغوش می‌گیرد
تماشاگران دنیای نزدیک به خدا را می‌بینند.
تک تک جماعت در خیابان دیده می‌شود که به خانه می‌روند.
سکوت شب بر همه جا گسترده شده است

اما چون ادبیات متعلق به نظام نشانه‌ای کلامی و نقاشی متعلق به نظام نشانه‌ای تصویری می‌باشد به همین خاطر رابطه ایجاد شده بین اشعار *یحیی کمال* و نقاشی‌های *پاموک* رابطه بیش متنی بینا نشانه‌ای می‌باشد(Kemal,1969). انتخاب هوشمندانه اسم کتاب که به دو وجه "خاطرات" و "شهر" اشاره دارد "خود زیست نگاری" که *پاموک* منبع خلاقیتش را در چیزی یافته که با زوال درمی‌آمیزد. استانبولِ *پاموک*، پاریسِ *مودیانو*، لندنِ *وولف* و نیویورکِ *استر* انگار از همین جنس‌اند. نابودی این شهرها نابودیِ خاطرات تکه‌تکه نویسنده است، نابودیِ ذهن متصل به محله‌ای قدیمی، خیابانی شلوغ، پنجره همیشه بسته خانه‌ای در یک کوچه بن‌بست، یا آدمی که سال‌ها در این مکان قدم

زده است. گونه‌های مشابه استانبول هر کدام پیش متنی برای بیش متن استانبول به شمار می‌آیند که بیش متنیت از نوع تراگونگی را ایجاد می‌نمایند.

بیش متنیت در نقاشی‌های پاموک

بیش متنیت در آثار نقاشی *پاموک* بیش‌ترین نقش را بر عهده دارد که این ارتباط از شاخه همانگونگی بوده و تقلید از سبک‌های نقاشی نقاشانی از قبیل *اوتریو* و *دوفی* و *ماتیس* در ترسیمات *پاموک* آشکار است. "پاستیش" واژه‌ای ایتالیایی است که از هنرهای تجسمی به عاریت گرفته شده و به تقلید سبک از شیوه نقاشی برجسته اطلاق می‌شود. در صحنه‌هایی که از بوسفور می‌کشید امواج بوسفور را به سبک *دوفی* و ابرها را به سبک *ماتیس* و فضاهای دیگر را بدون ترسیم جزئیات به سبک *اوتریو* و نقاشی‌های امپرسیونیست رسم می‌کرد. نقاشی‌های وی توجه به رئالیسم و رمانتیسیزم و انعکاس نور و ثبت واقعیات در لحظه و تحت شرایط خاص می‌باشد. ترسیم عالم خارج در لحظه‌های آنی با تأکید بر مناظر بوسفور نشانگر سبک نقاشی *پاموک* می‌باشد.

تأثیر نقاشی‌های *آنتوان ایگناس ملینگ* از استانبول بر *پاموک* نیز قابل توجه است. منظره‌های *ملینگ* به ما حس یک حرکت هم تراز و افقی می‌دهد. در منظره‌هایی که *ملینگ* از استانبول کشیده گویی مرکزی وجود ندارد و در طول ساحل بوسفور مناظری که حس بی‌مرکز و بی‌نهایت بودن استانبول را القا می‌نمود به چشم می‌خورد و ضمن وفاداری به جزئیات معماری، جزئیات زندگی روزمره را با احساسی وصف ناپذیر خلق می‌نمود. با توجه به اینکه نقاشان مذکور متعلق به فرهنگ غیر ترک می‌باشند می‌توان عنوان داشت که بیش متنیت همانگونگی از نوع پاستیش بوده که رابطه‌ای برون فرهنگی دارد.

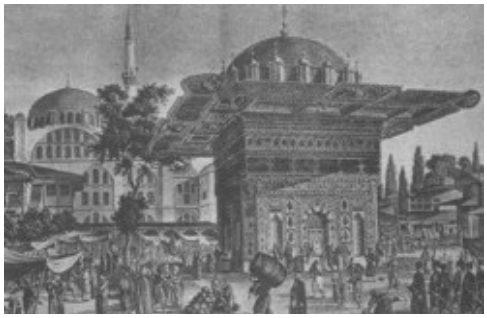

قصر توپقاپی طراحی شده توسط ملیگ(مأخذ: کتاب استانبول، خاطرات و شهر)

جدول ۱. ارتباط شاخه‌های ترامتنیتی ژنت با رمان «استانبول، خاطرات و شهر»

<table>
<tr><th colspan="4">روابط ترامتنیت ژنت در رمان «استانبول، خاطرات و شهر»</th></tr>
<tr><td rowspan="5">بینامتنیت</td><td rowspan="4">بینامتنیت ضمنی</td><td rowspan="4">تشبیه و استعاره</td><td>دهکده ایوب لو به دیسنی لند تشبیه شده و مناظر استانبول به مانند صحنه تئاتر می‌ماند.</td></tr>
<tr><td>بوسفور استعاره از زندگی و لذت و خوشبختی و امید می‌باشد.
 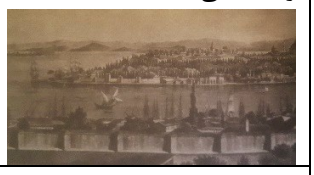 </td></tr>
<tr><td>واپور استعاره از تکنولوژی و تغییرات فرهنگی و یکی از نشانه‌های مدرنیسم فرهنگی به شمار می‌رفت.
 </td></tr>
<tr><td>رنگ سیاه و سفید و خاکستری کنایه از غم و اندوهی بزرگ دارد که بر مردم استانبول سنگینی کرده و روح درونگرایی را القا می‌کرد که استعاره از حس غریبی بوده است.</td></tr>
<tr><td rowspan="2">بینامتنیت صریح</td><td colspan="2">در متون پاموک نقل قول‌هایی به صورت صریح و مستقیم از از گوستاو فلوبر، احمد حمدی تانپینار، ملینگ، داستایفسکی، نروال، عبدالحق شناسی، احمد راسم، رشاد اکرم کوچو، جان راسکین، ادگارآلن پو گنجانده شده است. ضمناً نقاشی‌های آرا گولر نیز در لابه‌لای متون پاموک دیده می‌شود.</td></tr>
<tr><td colspan="2">نقاشی‌های ملینگ که در فصول مختلف کتاب پاموک به صورت صریح و مستقیم گنجانده شده است خود برگرفته از مینیاتورهای ایرانی است. درخت‌ها همچون لکه‌های فراوان سیاه با وقار ایستاده و به نقاشی توازنی شاعرانه بخشیده‌اند. درخت سرو در باغ‌های سنتی دوره اسلامی و نقاشی‌های این دوره</td></tr>
</table>

		تصویری از بهشت می‌باشد.
سرمتنیت	رمان استانبول داستانی به سبک پست‌مدرن است و بسیاری از ویژگی‌های ادبیات پست مدرن از جمله رجوع به آثار ادبی گذشته، بینامتنیت، هجو و ... را داراست.	
بیش متنیت	دگرگونی	تجلی حزن پاموک در خیابان‌های استانبول از اندوه مناطق فقرزده حاره‌ای و زندگی فلاکت بارشان که توسط کلود لوی اشتراوس توصیف شده برگرفته شده است.
		پاموک در شهر همانند «جامعه نمایش» گی دوبور با پناه بردن به جامعه محزون به گسست از تاریخ اشاره می‌کند.
		اشعار حصار، اکرم کوچا، یحیی بیاتلی و احمد تانپینار تاثیر خود را به صورت بیش متنی بینا نشانه‌ای بر نقاشی‌های پاموک اعمال کردند.
		پاموک فضاهای شهری استانبول را همانند فضای فراموش‌نشدنی و سودازده محله‌های قدیمی طبقه کارگرنشین- کافه‌ها، پارکینگ‌ها، مسافرخانه‌های فرسوده و کلوب‌های شبانه کثیف، بلوارهای پیچ‌درپیچ رؤیاگونه، خیابان‌ها، میدان‌ها و ایستگاه‌های مترو رمان‌های پاتریک مودیانو به تصویر کشیده است. پاریس مودیانو همان پاریسی است که گاهی یادآور فضای فیلم «زیر سقف‌های پاریس» اثر مارسل کارنه است و گاهی یادآور سال‌های زندگی سارتر و ژولیت گرکو در محله «سنت- جرمن- د- پرز» است. مودیانو همانند شارل بودلر عمیقاً از ویرانی و تغییر مکان‌های قدیمی پاریس تأسف می‌خورد. می‌گوید: در زمان بودلر کل منطقه چرخ و فلک را خراب کردند. امروزه پاریس صمیمیت خود را از دست داده و همه چیز یکسان شده است، اما هنوز هم بعضی محله‌ها احساس غریب و رازآمیزی در خود دارند.

بیش متنیت	دگرگونگی	دیدگاه کل نگر دیوید هاروی نسبت به پاریس بـه عنـوان مرکـز فکری جهان تأثیر مشابهی بر ذهن پاموک در خصوص اسـتانبول گذاشته است.
		لویی ویو در کتاب «رایحه‌های پاریس» به شهر بدون گذشته‌اش که آکنده از ارواحی بدون خاطره است اشاره می‌کند که به طـور قطع به نوستالژی پاموک از استانبول تاأثیر گذاشت.
		پرسه‌های ذهنی و عینی پاموک در استانبول تا حدودی متـأثر از برداشت ویرجینیا وولف در کتاب «خیابـان گـردی در لنـدن» از دیدگاه اقشار مختلف در یک روز عادی در لندن می‌باشد.
		تعریـف پـاموک از خـاطره برگرفتـه از داوری بـالزاک از خـاطره جمعی سکنه آن است کـه اذعـان مـی‌دارد شـهر مکـان خـاطره جمعی است. ولگردی بالزاک در پاریس و به قـول وی مـزه مـزه کردن پاریس برای تماشای مناظر و چشم اندازها و بدبختی‌هـا و رویدادهای بدیع به منزله نوعی همزیستی با آن بـوده کـه عینـاً توصیف تجربه استانبول پاموک می‌باشد.
		آگاهی بودلر از حظ طبیعی تخریب پاریس و افسوس بـر نـاتوانی اعتراض به این دگرگونی‌ها و شکوه‌هـای آکنـده از نوسـتالژی در مکتوبات گوتیه از استانبول نیز مشهود است.
		پل استر در کتاب سه گانه «نیویـورک» بـه پرسـه زنـی، هـرج و مرج، گم‌گشتگی، پریشانی فضای درونی و بیرونی زندگی مـدرن شهری می‌پردازد. سرگردانی شهروندان حاصل از مدرنیته شهری می‌باشد که به کرات در لابه‌لای متون کتـاب پـاموک نیـز دیـده می‌شود.

		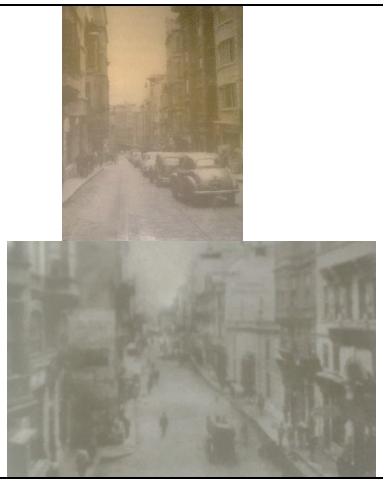
	پاستیش	تقلید از سبک نقاشی دوفی و ماتیس و اوتریو و آنتوان ایگناس در نقاشی‌های پاموک کاملاً مشهود است.

مأخذ: نگارنده

نتیجه بحث

برای درک بهتر اثر به عنوان یک متن، شناختن تمامی متون پیش از آن که در آفرینش آن نقش ایفا کرده‌اند؛ امری ضروری و غیر قابل اجتناب است. از این رو، در حوزه نقد آثار ادبی خوانش بینامتنی پاسخگوی بهتری در جهت درک بهتر اثر خواهد بود.

اورحان پاموک در اثر خود به دنبال متنی بود که در آن متون و روایات و نقل قول‌ها و اسناد گذشته بدون هیچ سلسله مراتب یا اولویتی برای توصیف بهتر استانبول گنجانده شده باشد. لایه‌های پنهانی و متنی رمان «استانبول، خاطرات و شهر» *اورحان پاموک* نیز ارتباط و مناسبات تنگاتنگی را با نظریه ترامتنیت *ژنت* برقرار ساخته است که در بینامتنیت، سرمتنیت، بیش متنیت بیش‌ترین تجلی یافته است.

در استانبول *پاموک* بینامتن‌های بکار رفته به هر دو صورت صریح و ضمنی هستند. شبکه بینامتنی رمان همچون بینامتن‌های سایر داستان‌های پست‌مدرن، سبب می‌شوند که خوانش آن بسیار بیش‌تر از آنکه به روایت متکی باشد، بر بیرون کشیدن لایه‌های معنایی تأکید کند. *پاموک* توسط این فضا، به هجو سیاست، فلسفه، روان‌شناسی و تاریخ

پرداخته است که در خلال آن‌ها توجه به متون مقدس و ادبیات و هنر و نام آوران ایرانی از قبیل آیات قرآنی و نقاشی‌های مینیاتور و کتب *مولانا*، *زکریای قزوینی* نیز به وضوح دیده می‌شود. در بحث بیش متنیت مرکز فکری *پاموک* به تقلید و برگرفتگی از آثار ادبی و نقاشی نویسندگان و هنرمندان پیشین معطوف گشته است که حجم کثیری از فضای نگارشی کتاب را تشکیل داده است. به طور کلی مطالعه ترامتنی رمان «استانبول» ابزار بسیار مناسبی برای شناخت و دریافت بهتر این اثر بوده و به دلیل گستردگی و تعدد منابع و متون و شخصیت‌های اشاره‌شده در متن نمونه کاملی جهت معرفی روابط ترامتنیت *ژنت* می‌باشد.

کتابنامه

آلن، گراهام. ۱۳۸۰ش، **بینامتنیت**، ترجمه پیام یزدانجو، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.

البرزی، پرویز. ۱۳۸۶ش، **مبانی زبان‌شناسی متن**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

کنگرانی، منیژه و بهمن نامور مطلق. ۱۳۸۶ش، **گونه‌شناسی روابط بینامتنی در شعر و نقاشی ایرانی؛ مجموعه مقالات هم اندیشی**، تهران: فرهنگستان هنر.

مهدی زاده، سید محمد. ۱۳۸۹ش، **نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی**، چاپ اول، تهران: نشر همشهری.

کتب غیر فارسی

Alves,A.(2010).Orhan Pamuk and the construction of Turkeys national memory in istanbul.Memories of a City.MATHESIS19.2010.169-180

Gilloch,G.Photographs and phantoms.orhan pamuks monochrome memories

Hisar A,Ş.(1968). Boğaziçi Yalıları:Geçmiş Zaman Köşkleri(The bosphorus villas:the pavillons of the past).Istanbul:Varlık Yayınları

Hisar A,Ş.(2006).Boğaziçi Mehtaplar(The bosphorus moonlights).istanbul:Yapı Kredi Yayınları

Kemal,Y.(1964). Aziz İstanbul(Dear Istanbul).istanbul: yahya kemal enstitüsü.

Kemal,Y.(1969). Kendi Gök Kubbemiz(our sky). istanbul eğitim basımevi

Mrinkovic,M.(2014).Orhan Pamuks Istanbul.Journal of literature and art studies.ISSN 2159-5836.October 2014.Vol.4.No.10.802-809

Sibel,E.(2011).The chronotope of Istanbul in orhan pamuks memoir Istanbul.Int.J.Middle East Stud.43 (2011),655-676

Vidal,Gore.(1995).Palimpsest:A Memoir.London.penguin.

مقالات

رحیمی اتانی، سمیرا و سیامک پناهی. ۱۳۹۵ش، «**خوانش بینامتنی آثار برنارد چومی با تأکید بر مفهوم فضای بینابین**»، دو فصلنامه علمی-ترویجی پژوهش هنر، سال ششم، شماره یازدهم.

رضایی، محمود. ۱۳۸۸ش، «**نقد و تحلیل قصه‌ای از مرزبان نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت**»، نقد ادبی، سال اول، شماره ۴، ص ۳۲.

رئیسی، ایمان و سیما آذرگون. ۱۳۹۲ش، «**تأثیر آفرینش فضای بینابین بر رفتارهای اجتماعی در طرح بازسازی مجموعه باغ موزه قصر(زندان قصر سابق)**»، فصلنامه انگاره معمارانه، (۳)، صص۱۹-۳۲.

طهماسبی، مهتاب. ۱۳۸۷ش، «**درنگی بر بینامتنیت مجموعه این ابر در گلو مانده منصور بنی مجیدی: کشف لحظه های همسرایی**»، آزما، صص ۱- ۱۹.

غیاثوند، مهدی. ۱۳۹۲ش، **«سیمای تأویل در آیینه بینامتنیت کریســتوایی»**، حکمــت و فلسـفه، شماره ۳۵، صص۱۱۴-۹۷.
نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۶ش، **«ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»**، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۸۶، صص۸۳-۹۸.

Bibliography

Allen, Graham. 2001, intertextuality, translation of Payam Yazdanjoo, fifth edition, Tehran: Markaz Publishing.
Alborzi, Parviz 2007, Fundamentals of Text Linguistics, Tehran: Amirkabir Publications.
Kangrani, Manijeh and Bahman Namvar Motlagh. 2007, Typology of intertextual relations in Iranian poetry and painting; Collection of symposium articles, Tehran: Academy of Arts.
Mehdizadeh, Seyed Mohammad 2010, Media Theories: Common Thoughts and Critical Perspectives, First Edition, Tehran: Hamshahri Publishing.
Alves,A.(2010).Orhan Pamuk and the construction of Turkeys national memory in istanbul.Memories of a City.MATHESIS19.2010.169-180
Gilloch,G.Photographs and phantoms.orhan pamuks monochrome memories
Hisar A,Ş.(1968). Boğaziçi Yalıları:Geçmiş Zaman Köşkleri(The bosphorus villas:the pavillons of the past).Istanbul:Varlık Yayınları
Hisar A,Ş.(2006).Boğaziçi Mehtaplar(The bosphorus moonlights).istanbul:Yapı Kredi Yayınları
Kemal,Y.(1964). Aziz İstanbul(Dear Istanbul).istanbul: yahya kemal enstitüsü.
Kemal,Y.(1969). Kendi Gök Kubbemiz(our sky). istanbul eğitim basımevi
Mrinkovic,M.(2014).Orhan Pamuks Istanbul.Journal of literature and art studies.ISSN 2159-5836.October 2014.Vol.4.No.10.802-809
Sibel,E.(2011).The chronotope of Istanbul in orhan pamuks memoir Istanbul.Int.J.Middle East Stud.43 (2011),655-676
Vidal,Gore.(1995).Palimpsest:A Memoir.London.penguin.

Articles
Rahimi Atani, Samira and Siamak Panahi. 2016, "Intertextual Reading of Bernard Choumi's Works with Emphasis on the Concept of Intermediate Space", two scientific-promotional quarterly journals of Art Research, Volume 6, Number 11.
Rezaei, Mahmoud 2009, "Critique and analysis of a story from Marzbannameh based on the intertextualite approach", Literary Criticism, First Year, No. 4, p. 32.
Raisi, Iman and Sima Azargun. 2013, "The Impact of Creating Intermediate Space on Social Behaviors in the Reconstruction Project of the Palace Museum Garden Complex (Former Qasr Prison)", architectural pattern journal, (3), pp. 19-32.
Tahmasebi, Mahtab. 2008, "Delay on the intertextuality of collection of this remained cloud in the throat by Mansour Bani Majidi: Discovering moments of marriage", Azma, pp. 1-19.
Ghiasvand, Mehdi 2013, "The image of interpretation in the mirror of Christian intertextuality", Wisdom and Philosophy, No. 35, pp. 114-97.
Namvar Motlagh, Bahman. 2007, "Transtexulaite, the Study of the Relationships of a Text with Other Texts", Journal of Humanities, No. 2, Winter 2007, pp. 98-98.

A Study and Analysis of Gérard Genette's Transtextualite Relationships in "Istanbul, Memories and City" Novel by Orhan Pamuk

Ameneh Hashemi
PhD Candidate, Architecture, Islamic Azad University, Karaj Branch
Siamak Panahi
Assistant Professor, Islamic Azad University, Abhar Branch

Abstract
Transtextualite is a literary approach that allows critics to investigate the links between literary works in a scientific and systematic way. Gérard Genette is one of the most important theorists of this approach who plays a key role in its application. This article has been formed with the aim of establishing a relationship between the theory of Gérard Genette's Transtextualite and "Istanbul, Memories and City" novel by Orhan Pamuk. And it has been tried to be analyzed based on the divisions of Gérard Genette's Transtextualite of urban space and architecture of Istanbul in the novel. The research is conducted based on deductive research method, based on the data collected by documentary studies and data analysis based on comparison and comparison. In the mentioned novel, Orhan Pamuk has been able to place the roots of previous artistic works of texts such as literary texts, prose, poetry and painting in various ways in his text and establish a close relationship with the theory of Gérard Genette's transtextualite, especially in the field of transtextualiteand hypertexuality.

Keywords: comparative literature metaphor hypertextualite intertextualite transtextualite.